

مسئله بازار سینمایی ایران و کوه‌های آن

تاثیر طبل و دهل در گروه عظیم مشتریان سینمایی

« ن . م . ناظر »



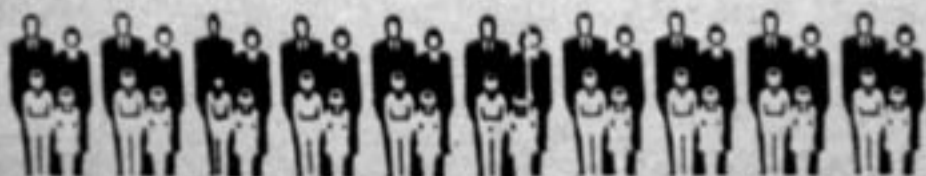
انواع جایزه‌ها مفتخر شده‌اند، برای نمایش در ایران خریداری شده است یا نه؟ پاسخ مدیر سینما بطور قاطعی منفی بود و جواب «چرا»ی قضیه هم خیلی صریح: «این فیلمها در بازار ما کار نمیکنند!»

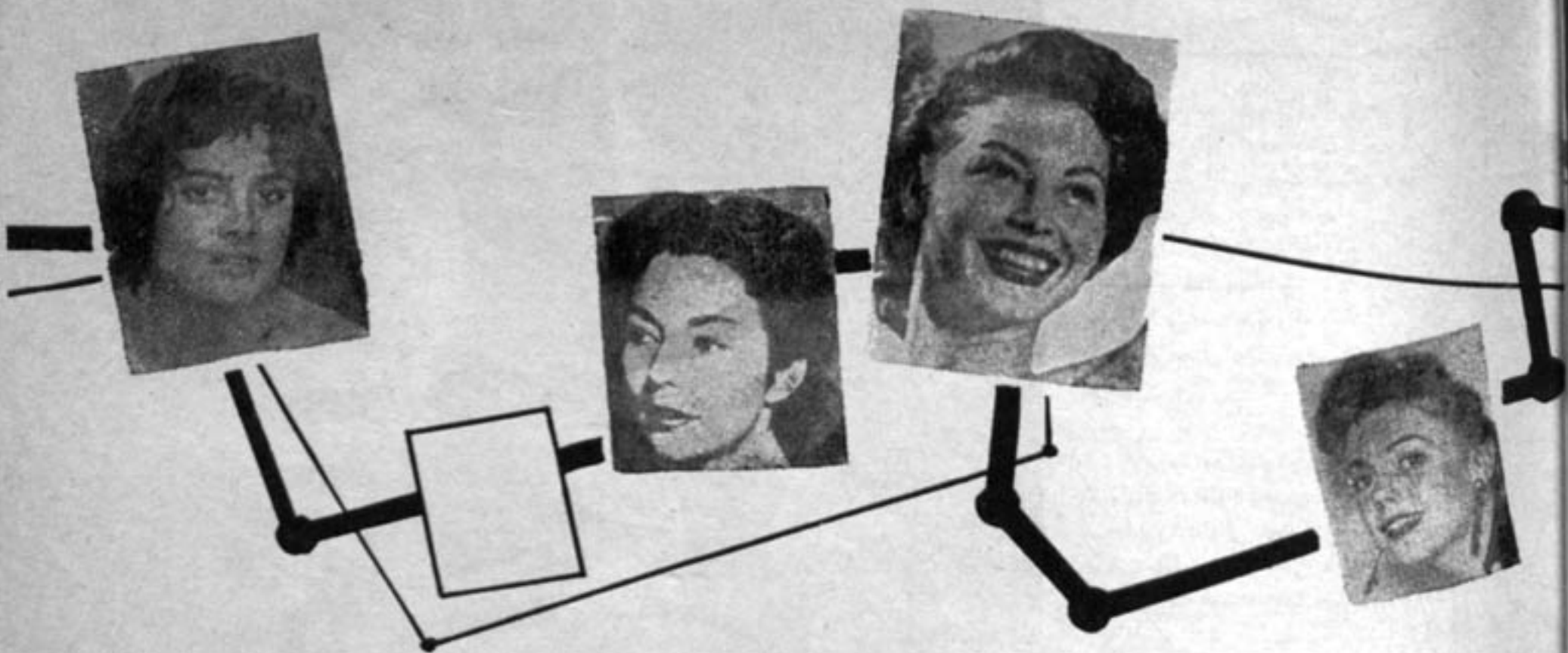
حرف عجیبی که در ابتدای مطلب بآن اشاره شد همین بود: «غالبترین فیلمهای دنیا در بازار سینمایی ایران کار نمیکنند!» علتی که مدیر سینما برای این امر شگفت‌انگیز ذکر میکرد ظاهرآ چون و چرا بر نمیآورد: «مردم فقط دنبال فیلمهای خنده‌دار میروند.» در وهله اول این ادعا از هر لحاظ صحیح و اساسی بنظر میآید.

طبق گزارش مطبوعات سینمایی در سال گذشته فیلمهای «خنده‌دار» ایتالیائی عالیترین میزان فروش را در ایران بدست آورده‌اند و صرفنظر از چند فیلم بزرگ و مجلل هالیوود یا چینه‌چیتا که با تبلیغات فراوان یا بوسیله بعضی هنرپیشگان نامدار هالیوود در آور عرضه شدند، بقیه فیلمهای بزرگ و کوچک، اگر واقعا خوب بودند فقط چندشبی روی پرده باقی ماندند و اگر متوسط بودند، پول خود را در آوردند و رفتند.

مسئله بازار سینمایی ایران از نظر تجارتي به گفتگوی ما ارتباطی ندارد. آنچه که در اینجا مورد بحث قرار میگیرد اینست که چرا باید در شهر بزرگی مثل تهران، فیلمهای جالب فستیوالهای بین‌المللی بازار نداشته باشد، چرا، بطور مثال فیلمهای انسانی و کم‌نظیری مانند فیلمهای آمریکائی «مارتی» یا «شهای عزیز» بر کرد باید دو سه شب

چندی پیش، در يك گفتگوی ساده، مدیر یکی از سینما های معتبر تهران حرف عجیبی میزد. صحبت فیلم‌جالی در بین بودیشام «فغان باز» که فقط طی سه یا چهار شب در این سینما نمایش داده شد. این فیلم که نام اصلی «ورق» است شاید یکی از بهترین نمونه‌های قدرت هنری «آلک کهنس» هنرپیشه انگلوسی باشد، ولی با اینکه بفارسی نسبتاً خوبی هم برگردانده شده بود، فقط سه یا چهار شب روی پرده باقی ماند. ولی مدیر سینما مثل اینکه با این قبیل عدم موفقیت ها خیلی آشنا باشد، بدون هیچان توضیح میداد که خود مدیران سینماها هم اغلب میدادند که فلان یا بهمان فیلم جالب چند شب بیشتر میمان آنها نخواهد بود و لکن بعلل مختلف گاه و بیگاه یکی دو تا از این قبیل فیلمها را مثل پولی که محض صدقه بفقیر بدهند برای چند شب نمایش میدهند. مدیر سینما اضافه می کرد که اینکار البته برای جلب رضایت عده فلیلی از سینما روها که به «سینمای واقعی» علاقمندند صورت میگیرد. این فداکاری و حسن نیت بدون شك قابل تقدیر است، اما مطالب دیگری که اتفاقا از دهان همین مدیر سینما چند دقیقه بعد خارج میشد، نشان میداد که مسئله باین سادگی‌ها هم نیست. از مدیر سینما سؤال شد که آیا هیچیک از فیلمهای پرسرو صدائی که در فستیوال های بین‌المللی یکی دو ساله اخیر بد دریافت





موقوت رو برو شده بود. عکس العمل بازار سینمایی تهران در برابر این فیلم میتواندست بی نهایت از نظر تخمین وضع تماشاچیان جالب باشد. و اتفاقاً، در تهران نیز باینکه فعالیت تبلیغاتی فراوانی برای این فیلم انجام گرفت و آنرا در سه سینمای بزرگ بروی پرده آوردند، پس از چند شب اول سالن این سینماها بزحمت پر میشد.

این قبیل وقایع مزید این هستند که مشتریان سالن های تاریک در بازار سینمایی ایران آنطور هم که در وهله اول بشنر می آید عاری از حس قضاوت نیستند و بنا بر این تحول بازار سینمایی ایران را باید بطور دقیق تری در نظر گرفت.

ناقبل از زواج «دوبلاژ» فیلمها، بازار سینمایی ایران وضع ثابتی داشت. فقط فیلمهایی در ایران مورد توجه قرار می گرفت که بتوانند بدون کمک بیان و گفتار و فقط از راه چشم بابتدائی ترین طرز ممکن، سطحی ترین تمایلات و غرائز تماشاچی را اقناع کنند. جنبش های روحی و باطنی، از آنجهت که بهر حال بیک واسطه بیانی احتیاج دارند، به هیچ وجه در سینمای لال قبل از دوران دوبلاژ مطرح نبود. فقط فیلمهایی بدرد بازار ایران می خورد که پر از جنبش و حرکت ظاهری یا نقش و نگارها و رنگها و لباسهای خیره کننده و مناظر دلغریب باشد. فیلمهای وسترن و پلیسی پر زرق و خور و افسانه های «شرقی» پر زرق و برق از این دسته بودند.

هنگامیکه کم کم فیلمهای خارجی در ایران زبان باز کردند، مثل این بود که تا کیهان پنجره دنیای جدیدی در برابر تماشاچیان سالن های تاریک ایران باز شد. تماشاچیان که کم کم زبان قهرمانان خود را درک می کردند، توجه بیشتری به ماجراهای زندگی آنان پیدا کرده و رفته رفته سخت گیر تر و پر توقع تر شدند. بسیاری از احساسات و عواطف آنها که در سینمای قبل از دوران دوبلاژ کاملاً بی تفاوت می ماند، در اثر مواجهه با حقایقی که از روی پرده سینما بچشم و گوش آنها آشنا می آمد، از خواب و رخوت در آمد.

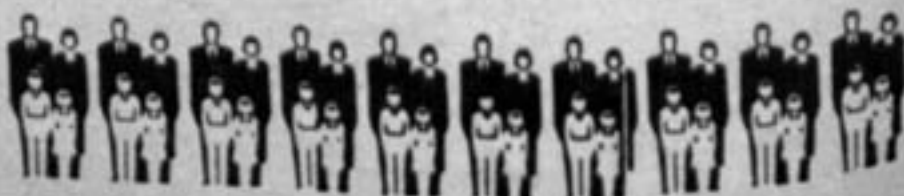
باین طریق بود که ماجراهای خیالی و غیر واقعی هر اندازه هم هیجان انگیز بودند از نظر تماشاچیان افتاد و در عوض توجه شدیدی نسبت به مسائل خانوادگی و عشقی بوجود آمد و یک دسته از فیلمهای سبک ایتالیائی که در حقیقت تفاله نهضت رئالیسم سینمای بعد از جنگ ایتالیا محسوب میشدند، در ظرف دو سه سال اخیر، به بهترین وجهی این خلاء بازار سینمایی ایران را پر کرد، بطوریکه اکنون فیلمهای سبک ایتالیائی حتی در مبتذل ترین شکل خود هم و زنده سنگینی در بازار سینمایی ایران بشمار میروند و واقعا جای آن دارد که بگوئیم هم اکنون در بازار سینمایی

بی خبری بیایند و بی خبر از بین بروند. یا چرا حتی کم دی های اصیلی از قبیل «سوسه هفت ساله» «کلبه کوچک» یا همین فیلم انگلیسی «ورق» که در بالا از آن یاد شد باید خیلی کمتر از بعضی فیلمهای سبک و توخالی کار کنند؟ چرا باید فیلم نشاط انگیز و پر از ذوق و لطافت و نکته ای مثل فیلم انگلیسی «افسانه شب» مطلقاً جلب توجه نکند؟ چرا فیلم بدیع و کم نظیری مثل فیلم ژاپنی «هفت سامورای» باید فقط چند شب در یک سینمای درجه دوم نمایش داده شود؟ چرا فیلم عمیقی نظیر فیلم اسپانیائی «مرك بکدو چرخه سوار» که در چند فستیوال برنده جایزه شده باید فقط چند شب نمایش داده شود؟ و بالاخره چرا باید سینما روهای تهران و ایران بطور کلی از دیدن فیلمهای مشهور فستیوالها محروم بمانند؟ تمام این چراها، با ابتدائی ترین طرز ممکن در دیک جوشان «بازار سینمایی» تهران حل میشوند. ولی حقیقت اینست که مقتضیات «بازار سینمایی» تهران خود بخود کلید حل این معما را بدست نمیدهد.

بازار سینمایی ایران در شرایط فعلی ظاهراً بصورت زمینه اسرار آمیزی در آمده که از نظر یک تماشاچی منفرد در آن بهر چه چیزی است. سطحی ترین قضاوت اینست که گروه عظیم مشتریان سینماها در تهران از هر لحاظ بنده و پرده تبلیغات سینمایی شده اند و بدون هر گونه نظر قلبی برای تماشای فیلمی که درباره آن زیاد تبلیغ میشود هجوم می آورند. تبلیغات بکنواخت سینماها باینکه مشت اصطلاحات و عبارات پرطمطراق از قبیل «شاهکار هنری»، «کارگردان نابغه هنر»، «هنرمندی در قیاس»، «اثر فنا ناپذیر...» و غیره شاید بهر روز زمان خسته کننده و ملال آور جلوه کنند، ولی مثل اینست که خستگی آخر هفته تماشاچیان بیشتر از آنست که بتوانند به توخالی بودن بسیاری از این گزافه گوئیها پی ببرند و به همین جهت بدون اراده بطرف معرکه ای میروند که صدای طبل و دهل آن سرسام آور تر باشد.

ولی پذیرفتن این قضاوت در «بازار سینمایی» تهران کار آسانی نیست، چون در بعضی موارد همین گروه عظیم تماشاچیان ظاهراً بی نظر، آنچنان حس تعلیق قضاوتی از خود نشان میدهند که همه حسابها را بر هم میزنند. مثالی هم میتوان ذکر کرد:

فیلم «وداع با سلح» با اینکه از مدت ها پیش بکمک وسایل تبلیغاتی فراوان در کلیه کشورهای جهان پخش شده بود، معیناً، آنطور که از مطالب بسیاری از مطبوعات اروپائی بر میآید همه جا تقریباً بسا عدم





خوب باشد، بهر حال این قبیل فیلمها فعلا سینماهای ما را پر کرده اند. مدیران سینماها مردم را باین فیلمها عادت داده اند و حالا خود آنها هم در کار خود در مانده اند. چون ظاهرا هر چه فیلم ایتالیائی از این قبیل در انبارها و پستوهای استودیوهای ایتالیا وجود داشته به مصرف رسیده و بدبختانه فیلمهای دیگر اگر کمی جدی باشند یا ماجراهای زندگی را از دریچه دیگری نگاه کنند، در بازار سینمائی ایران «کار نمیکند»!

این رشته فیلمها در چند ساله اخیر باعث شده است که عطش شدیدی نسبت به کمدهای پرهیاهوی ایتالیائی بوجود بیاید و مردم از درك هر طرز دیگری بیان سینمائی عاجز بمانند. در واقع طرز بیان عامیانه و سبک فیلمهای ایتالیائی، سرفنظار از مضمون خوب یا بد آنها، تماشاچیان ایرانی را در سالهای اخیر به یک تنوع تنبلی مغزی دچار ساخته و به همین علت است که فیلمهای جالب و حتی کمدهائی که کمی سطحشان از سطح کمدهای بازاری ایتالیائی بالاتر باشد

يك صحنه از فیلم «هفت سمورای»

در ایران مورد استقبال قرار نمیگیرند.

این چاله ایست که خود مدیران سینماها در راه خود کنده اند و پس از اینکه هر کدام از فیلمهای آنان، ولو اینکه واقعا جالب باشد و در تمام کشورهای دیگر دنیا با موفقیت روبرو شده باشد، در این چاله سقوط کرد، فوراً در هر گوشه و کنار جستجو میپردازند تا يك فیلم ایتالیائی «خنده دار» برای جبران این خسارت دست و پا کنند.

نتیجه این وضع ایجاب کرده است که در طی سالهای اخیر تماشاچیان سینماهای ایران از دیدن و تحسین بگرشته از بهترین آثار سینمائی دنیا که در سایر کشورها ماههای متمادی عالم تریب را کورد فروش را حفظ کرده اند، محروم بمانند.

البته تمام کتاه این محرومیت بگردن مدیران سینماها نیست. يك مدیر سینما قبل از هر چیز بازرگانی است که مثل هر بازرگان دیگر میل ندارد دچار ضرر شود. قسمت اعظم علت تنزل سطح تشخیص بازار سینمائی ایران را باید در عدم وجود يك «انتقاد سینمائی» واقعی در ایران جستجو کرد.

در سایر کشورها «نقد سینما» واقعا نقش مهمی در راهنمائی سینماورها بازی میکند و آمادگی قبلی مؤثری برای درك و فهم و لذت بردن از آثار جالب سینمائی در تماشاچیان بوجود میآورد. امامتاسفانه در ایران تنها راهنما و مشتریبان سینماها آگهیهای تجارتنوع و عکس العملهای خام و غریزی آنهاست.

در دورانهای پر شکوه ادبیات ایران تقد معنی و تقد الفاظ و بطور کلی سخن سنجی عامل مهمی در اشاعه آثار ادبی سنگین و پرازش بشعار میرفت. از بین رفتن نقد معانی و الفاظ در واقع سهم بزرگی در انحطاط ذوق عمومی داشته است و شکی نیست که اگر وضع به همین منوال پیشرفت کند، جای خالی يك انتقاد سینمائی موثر و راهنمائی کننده را نیز باشتغال و آسان پسندی پر خواهد کرد. ●●

ایران مسئله ای بنام «مسئله فیلم ایتالیائی» بوجود آمده است! این توجه شدید تماشاچیان بازار سینمائی ایران به فیلمهای سبک ایتالیائی در عین حالیکه جنبه های مثبتی دارد، عاری از عیب هم نیست. از آن جهت که ماجراهای این قبیل فیلمهای ایتالیائی در محیط زندگی واقعی دور میزند، شاید بتوان حتی آنها را مفید دانست. چون سینما عملا مؤثر ترین وسیله تلقین افکار و عادات است و حتی میتوان گفت که در دنیای امروز شاید بیش از هر عامل دیگری در تعیین عادات و احوال مردم يك اجتماع مؤثر است و بنا بر این چه بهتر که فیلمها از نوعی باشند که پای تماشاچیان را از زمین سفت واقعیت جدا نکنند و آنها را از سقوط در دنیای عبت خیالات و اوهام فلج کننده بازدارند.

اما مسئله اینجاست که در این قبیل فیلمهای ایتالیائی که تولید آنها تقریباً بصورت «استاندارد» در آمده، چهار خوبترند که واقعی کم کم بصورت يك محیط جعلی در آمده که يك خوش بختی زیاده از حد جاشی آنگشتن مطابق نسخه این فیلمها، تمام مسائل خانوادگی با مقداری جیغ و داد و بیدله کوئی شروع میشود، در میان یکمشت ممت و سقله و قهر و آشتی و لودگی ادامه می یابد و بالاخره همه آدمهای بدخوب از آب در میآیند و ابله ای که برای مدتی در جسم این با آن فخرمان فیلم فرود رفته بود بكمك صنایع جادویی يك فرشته رحمت فراری میشود و همه چیز بخوبی و خوشی پایان می یابد.

و این متاسفانه سراب فریبنده ایست که در پشت پرده واقعیت و «رنالیزم» سرمشق تماشاچیان قرار میگیرد مطابق این فیلمها تمام جوانان ایتالیائی صبح تا غروب با يك پهران کشی یا با مایو سینه آفتاب لمداده اند و زندگی شان از راه لوده بازی و ولنگاری میگذرد و دخترهای جوان ایتالیائی همه نسخه های مطابق اصل سوفیالرن و ماریزا آلاسیو هستند و لااقل نصف عمرشان برای کتک کاری با عشاق فراوان خود و سبک و سنگین کردن آنها مصرف میشود.